

## مطلوب کل طالب

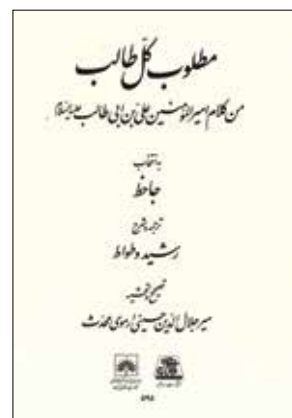
جعفر ربانی

- به انتخاب: جاحظ
- مترجم: رشید وطواط
- تصحیح: میرجلال‌الدین حسینی ارموی محدث
- ناشر: اساطیر و ...
- نوبت چاپ: اول
- محل نشر: تهران
- سال نشر: ۱۳۹۶

می‌دانیم که بخش قابل توجهی از سخنان و مکتوبات امیرالمؤمنین علی (ع)، جز آنچه در «نهج‌البلاغه» آمده، کلمات قصار آن حضرت است که بخشی از آن را در همان نهج‌البلاغه سیدرضی، در بخش ششم این کتاب شریف می‌توان یافت. اما جز این آثار دیگری را می‌شناسیم که حاصل زحمات پاره‌ای از بزرگان علم و حکمت است. آنان تحت جاذبه سخنان حکمت‌آمیز علی (ع) قرار گرفته‌اند، دست به انتخاب‌زده و پاره‌ای از این حکمت‌ها را به صورت کتابی درآورده و برای ما به یادگار گذاشته‌اند. از مشهورترین این آثار یکی «غررالحکم و درر الکلم» اثر عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی (متوفی ۵۱۰ ه. ق) شامل حدود ۱۰ هزار کلمه قصار است و دیگری «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید است که ابن ابی‌الحدید در پایان مجموعه مفصل خود، هزار کلمه از کلمات قصار علی (ع) را آورده است.

و اما اثر حاضر که آن را به شما معرفی می‌کنیم و نسبتاً گمنام است و در زمان حاضر معرفی شده، اثر مختصر ولی قابل توجهی است. با نام «مطلوب کل طالب». این کتاب را جاحظ، ادیب نام‌دار عرب، در نیمه اول قرن سوم هجری تألیف کرده و شامل صد کلمه از کلمات قصار علی (ع) است.

در قرن ششم، رشیدالدین وطواط، شاعر مشهور ایرانی (متوفی ۵۷۳)، کتاب جاحظ را ترجمه کرد و ذیل هر کلمه شرح کوتاهی نخست به



عربی و سپس به «پارسی» نوشت و ضمناً ترجمه آن کلمه را به شعر فارسی نیز، از سروده‌های خود، به آن افزود. در واقع رشید وطواط یک اثر ادبی عربی را به اثری ادبی-تاریخی در زبان فارسی تبدیل کرد.

در زمان ما، مصحح دانشمند، میرجلال‌الدین محدث ارموی، این اثر مغفول مانده را تصحیح کرد و در سال ۱۳۴۸ در «انتشارات دانشگاه تهران» به چاپ رساند که اینک چاپ جدید آن را «انتشارات اساطیر» با همکاری «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» منتشر ساخته است.

قبل از اینکه نمونه‌ای از این صد کلمه را به نظر شما برسانیم، لازم می‌دانیم اشاره کنیم که این کتاب قابلیت آن را دارد که به‌عنوان جایزه یا هدیه‌ای نفیس به دوستان، به‌ویژه دانش‌آموزان کوشا و ممتاز، بر حسب موقعیت داده شود. اینک نمونه: کلمه هفتم

المرء مخبوء تحت لسانه

مرد پنهان است در زیر زبان خویش

معنی این کلمه به تازی: المرء مالم یتکلم لم يعرف مقدار عقله و مثابه فضله، فاذا تکلم رفع الحجاب و عرف الخطاء و الصواب.

معنی این کلمه به پارسی: تا مرد سخن نگوید، مردمان ندانند که او عالم است یا جاهل، ابله است یا عاقل. چون سخن گفت مقدار عقل و مثابت فضل او دانسته شود؛ شعر:

مرد پنهان بود به زیر زبان  
چون بگوید سخن بداندش  
خوب گوید لیبیب گویندش  
زشت گوید، سفیه خوانندش